

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۴

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۶

بررسی تطبیقی غیبت کبری در شعر معاصر عربی و فارسی

۱ حدیث بابائی

۲ کبری خسروی

۳ حسین چراغی‌وش

چکیده

امام مهدی علیه السلام طبق روایات متواتر و کتاب‌های معتبر شیعه، بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و همزمان با آغاز امامت ایشان غیبت صغری خویش را آغاز نموده و زمان آن تا به هنگام درگذشت آخرین نائب از نواب اربعه به مدت ۶۹ سال ادامه داشته و از بعد آن غیبت کبری ایشان تا به امروز به طول کشیده و جهان در تلاطم آمدن او دست بردعا گشوده است. تاریخ زندگی تشیع، گواه آن است که سالیان متمادی مسلمانان از حضور مستقیم امام مهدی علیه السلام بنابر مصلحت الهی محروم شده اند اما همیشه به این نکته واقف بوده اند که ایشان در جامعه حضور دارند و به طور ناشناس در جوامع کنونی زندگی می نمایند. شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ تشیع علیرغم تمام فشارها و ظلم حکومت‌های فاسد، به وصف امام مهدی علیه السلام پرداخته اند. مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام یکی از موضوعاتی است در شعر و ادبیات مهدوی عصر معاصریه واضح تجلی یافته است. مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام در موضوعات مختلفی همچون؛ غیبت و انواع آن، غیبت کبری، فلسفه غیبت کبری، فلسفه طول عمر امام مهدی علیه السلام، عصر غیبت، پاسخ به انحرافات و حضور امام مهدی علیه السلام در جامعه که خود شامل موضوعات متنوع می باشد.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، شعر معاصر عربی و فارسی، غیبت کبرا، بررسی تطبیقی.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) (hadisbabaei580@yahoo.com).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان.

غیبت کبرا به معنای دوران زندگی مخفی امام دوازدهم شیعیان است که از سال ۳۲۹ ق آغازگشته و تاکنون ادامه دارد. این دوران بلافاصله بعد از غیبت صغرا و با وفات چهارمین نائب خاص امام مهدی علیه السلام آغاز می شود. ویژگی اصلی این دوران عدم امکان ارتباط مستقیم مردم با ایشان بر خلاف دوران امامت ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. بنابر باورهای تشیع هرچند امام عصر علیه السلام در غیبت بسر می برند اما جهان از وجود ایشان همواره بهره مند بوده است. در واقع جهان برای بقای خویش نیازمند وجود امام منصوب از سوی خداوند است و امام نه تنها ولایت تشریعی دارد بلکه به لحاظ تکوینی نیز بر جهان ولایت دارد. روایات بسیاری از ائمه اطهار علیهم السلام وارده شده که غیبت امام مهدی علیه السلام به خواست خداوند به دو نوع تعلق گرفته بود، غیبت صغری و غیبت کبری. غیبت صغری در واقع نوعی آماده سازی برای غیبت طولانی بود و غیبت طولانی نیز مقدمه ظهور و حضور ظاهری آن حضرت در جامعه انسانی است. در این دوره امام از طریق چهار نائب خاص خویش با شیعیان ارتباط داشته و بعد از مرگ آخرین فرد غیبت کبری آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. امام صادق علیه السلام در مورد غیبت امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

برای قائم دو غیبت است: یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری دراز مدت، غیبت نخست جز شیعیان مخصوص از جایگاه او کسی ندارد و در دیگری جز خدمتکاران ویژه آن حضرت، کسی از مکانش، آگاه نیست. (کلینی، بی تا، ج: ۱، ۳۴۰)

پرسش تحقیق

مسئله غیبت کبری چگونه در شعر شاعران مسلمان زبان عربی و فارسی تجلی یافته است؟

فرضیه تحقیق

شاعران معاصر عربی و فارسی (شیعه) با اقتباس هنری و ادبی از تفاسیر آیات و روایات متواتر به وصف غیبت کبرا در اشعار خویش پرداخته اند. غیبت کبری در موضوعات مختلفی همچون؛ غیبت و انواع آن، غیبت کبری، فلسفه غیبت کبری، فلسفه طول عمر امام مهدی علیه السلام، عصر غیبت و حضور امام مهدی علیه السلام در جامعه تجلی یافته است.

پیشینه تحقیق

در خصوص بررسی غیبت کبری، آثار مختلفی به صورت کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی انجام شده است ولی در زمینه شعر معاصر پژوهش مستقلی درمورد غیبت کبری صورت نگرفته است.

پردازش تحلیلی به موضوع

طبق روایات معتبر تاریخی، غیبت کبری امام مهدی علیه السلام از زمان مرگ آخرین نواب اربعه مصادف با سال ۳۲۹ قمری آغاز شد و تا زمان معاصر ادامه دارد که در این مدت شیعیان در دوره‌های مختلف به علت نبود حضور امام عصر علیه السلام و وجود حاکمان فاسد و نالایق مورد ظلم و ستم فراوان قرار گرفته‌اند. اهداف بلند حضور و ظهور امام مهدی علیه السلام در جامعه بشری و عدم آمادگی جامعه اسلامی و شیعی برای بهره‌برداری بهینه از وجود امام و رهبر عدل‌گستر، و عدم قدرت آنان برای حمایت از وجود ایشان برای تحقق هدفی بزرگ، خداوند متعال او را از دیدگان بشریت پنهان نموده است تا شرایط لازم برای ظهور و حضور ایشان فراهم گردد و ایشان را از هرگونه بلا و گزند مصون دارد.

عصر غیبت کبرا، عصری متفاوت از دوران نخست اسلام بوده اسن زیرا شیعیان در این دوران دچار مشکلات فراوان بوده‌اند. مشکلاتی از قبیل؛ طولانی بودن زمان غیبت، نامعلوم بودن زمان غیبت، قطع ارتباط ظاهری و مستقیم با امام، نبودن نواب خاص، فراگیر شدن حاکمیت ظلم و ستم در زمین، جنگ میان عقل و انکار وجود امام عصر علیه السلام و... گریبان‌گیر شیعیان بوده است. شاعران بسیاری همچون ابن رومی، شیخ بهایی و... در طول تاریخ وجود داشته‌اند که به وصف غیبت کبری به صورت نمادین و گاه به شکل مستقیم پرداخته‌اند.

بیان غیبت کبری

شاعران معاصر زبان عربی و فارسی بخش عظیمی از اشعار خویش را در ادبیات مهدوی به موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام، خصوصاً مسئله غیبت کبری و عصر غیبت اختصاص داده‌اند گاه با زبان مستقیم و گاه نمادین به این موضوع پرداخته‌اند. سید محسن الامین با اقتباسی از احادیث متواتر درمورد غیبت کبری در قصیده‌ای خویش این چنین گفته است:

وَأَحْمَدُ وَالْغُرَّالْمِيَامِينَ أَخْبَرُوا بَغِيْبَةً مَهْدِيٍّ بِهٍ خَتَمُ الْعَصْرِ
رَوَتْهُ لَنَا فَوْقَ التَّوَاتُرِ عَنْهُمْ وَعَنْهُ رَجَالٌ لَا يُحِيطُ بِهَا الْخَصْرُ
فَإِنْ وَرَدَتْ أَخْبَارُنَا بِوُجُودِهِ وَغَيْبَتِهِ يَبْدُو تَوَاتُرُهَا الصَّبْرُ
(الأمین، ۱۴۲۹ ق: ۲۵-۲۳)

وپیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بزرگان به غیبت امام مهدی علیه السلام که عصر به او خاتمه می یابد خبر دادند. و این روایت پی در پی برای ما نقل شده است و از آن مردانی هستند که هیچ محدودیتی آنها را در بر نمی گیرد. اگر اخبار ما درباره وجود و غیبت او وارد شده است، صبر را عیان می سازد.

مرتضی الوهاب در ایاتی حضرت را به شیری تشبیه نموده که در بیشه غیبت اقامت کرده است:

وَهَزَبَ رَأً غَابَ عَنِ الْأَبْصَارِ وَجَنَّبَ الْغَابِ تَلَبُّدُهُ
حَتَّى مَ تَقَرُّ عَلَى ضَمِيمٍ لِحِمَاكَ وَسَيْفِكَ تَغْمِدُهُ
(الوهاب، ۱۳۸۰: ۴۵)

و شیری که از دیده ها پنهان شد و کنار بیشه خانه دارد. تا به کی بر غیبت اقامت می کنی در حالی شمشیر تو در نیام است؟

شاعر شیر پنهان از دیده را استعاره مصرحه از وجود حضرت موعود علیه السلام می داند که در بیشه ای سکونت دارد که بیشه که استعاره از محل زندگی ایشان در غیبت کبری است. او، کلام را با خطاب به امام مهدی علیه السلام ادامه می دهد و از ایشان درخواست می کند که تا به کی غیبت کبری ادامه خواهد داشت؟ و در نهایت شاعر از شمشیر در نیام سخن می گوید که این ضرب المثل برای سکوت و صلح به کار برده می شود یعنی ایشان قصد نبرد و رزم دارد ولی هنوز مصلحت ایشان به قیام نکردن، تعلق گرفته است.

شیخ محمد حسین الإصفهانی از طولانی شدن غیبت کبری لب به گلایه می گشاید و «سيف الله» را استعاره از وجود امام مهدی علیه السلام می داند که این عبارت نشان دهنده عدالت بی پایان ایشان می باشد:

يَا غَائِباً مِثَالُهُ عِيَانُهُ إِنَّهُضَ عَلَى اسْمِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ
يَا صَاحِبَ الْعَصْرِ لَقَدْ طَالَ الْمَدَى أَمَا لِسَيْفِ اللَّهِ أَنْ يُجَرِّدَا
(الإصفهانی، ۱۴۲۳ ق: ۱۳۱-۱۲۸)

ای غائبی که تمثیل او نماینگر اوست. با نام خداوند بزرگ مرتبه قیام کن. ای صاحب زمان، همانا دوره طولانی شده است، آیا شمشیر خدا از نیام کشیده نمی شود؟ نزار الحر در قالب استعاره مصرحه غیبت کبری را همچون مه مجسم نموده که بر دیدگان منتظران کشیده شده است و مانع رسیدن الطاف امام به آنها می گردد:

حُجَّةُ اللَّهِ هَلْ يَطْوُلُ الْغِيَابُ وَيَغْشَى عَلَى الْعُيُونِ الضُّبَابُ
عَجَّلَ اللَّهُ فِي ظُهُورِكَ حَتَّى يَتَجَلَّى بَعْدَ الضَّلَالِ الصَّوَابُ

(الحر به نقل از نورالدین، ۱۴۲۹ ق)

حجت خداوند آیا غیبت تو طول می کشد و آیا مه چشمان را می پوشاند (مه غیبت)؟ خداوند در ظهور تو تعجیل کند تا اینکه بعد از گمراهی، درستی و راستی آشکار گردد. نزار الحر علاوه بر آن که از طولانی شدن غیبت کبری گلایه می کند احوال منتظران عصر غیبت را به هوای مه آلود و غیبت کبری را به مه تشبیه نموده است؛ با بیان این که غیبت کبری را به فضای مه آلود تشبیه و وجه شبه آن را عدم دید کافی در فضا ترسیم کرده است. غیبت کبری باعث عدم درک حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شده است؛ زیرا همان گونه که هوای مه آلود منجر به کاهش دید می گردد، غیبت کبری نیز بر دیدگان منتظران کشیده شده است. شاعر از خداوند تعجیل فرج را می طلبد تا بعد از گمراهی و جهالت منتظران، راه درست و صحیح آشکار گردد و بشریت به کمال اصلی خویش رهنمود گردد.

شیخ عبدالغنی الحر با استفاده از استعاره مصرحه (بدر) از وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، غیبت کبری را این گونه ترسیم کرده است:

بَدْرٌ تَغَيَّبَ عَنْ أَبْصَارِنَا حُجْبًا حَتَّى عَرَاهَا الْقَدَى مِنْ طَوْلِ غَيْبَتِهِ

(الحر به نقل از عبداللہی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

ماه از دیدگان پنهان شد، به خاطر غیبت او چشمان آزرده شدند. عباس براتی پور با گذر بر تاریخ انبیاء الهی در مورد غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه این گونه می گوید:

ای جمال تو فروزنده مهر وی به راهت نگران چشم سپهر
ای جمال ملکوتی به درآی یوسف مصر! به سوی پدر آی

(براتی پور، ۱۳۹۰: ۴۹)

شاعر در قالب تلمیح به داستان حضرت یوسف علیه السلام و مقایسه زندگی امام مهدی علیه السلام با حضرت یوسف علیه السلام، ایشان را یوسف خطاب کرده است که اولاً، همان گونه که حضرت یوسف علیه السلام مدت ها از پدرگرمی خویش و سرزمین کنعان دور گردیده و به طور ناشناس به سرزمین مصر سفر نمود و بعد از تحمل سال ها فراق و دوری از پدر به اذن الهی بعد از مدت معینی به سوی پدر بازگشت و دیدگان حضرت یعقوب علیه السلام به جمال ایشان روشن شد، امام مهدی علیه السلام نیز به اذن الهی بعد از تحمل سالیان متمادی غیبت کبری به سوی منتظران باز خواهد گشت و چشم منتظران از سرشوق، باران اشک می شود و غم و فراق به پایان خواهد رسید.

ثانیاً، امام مهدی علیه السلام در میان مردم و کوچه و بازار و شهرهای مختلف حضور دارند، مانند حضرت یوسف علیه السلام که برادر نشان ایشان را نمی شناختند، ولی او آنان را می شناخت. امام مهدی علیه السلام نیز سخن مردم را می شنود و بر آنان سلام می کند، در مجالس آنان حاضر می گردد امام مردم او را نمی شناسند، مگر به اذن الهی که مدت غیبت کبری به سرآید و امام مهدی علیه السلام در جامعه حضور یابد و آن هنگام بسیاری از مردم با خود می گوید: این امام مهدی علیه السلام است. من بارها ایشان را دیده ام اما از واقعیت وجود ایشان بی خبر بوده ام. این بیان شاعر می تواند برگرفته از این سخن امام صادق علیه السلام باشد که فرمودند:

در صاحب این امر سنت هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف علیه السلام پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می دهد به گونه ای که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۸)

دلواپسی ها و بیقراری های غیبت کبری در شعر سید سعید الرصافی این چنین نمود یافته است:

يَا لِغَايِبٍ طَوَّلَتْ غِيَابَكَ تَنْتَظِرُكَ مَلْهُوْفًا أَصْحَابَكَ
يَا مَنْ وَعَدَكَ طَالَ عَلَيْنَا مِنْكَ نَطْلُبُ يَا مَهْدِيْنَا
(الرصافی، ۱۳۸۵: ۲۰۴-۲۰۳)

ای غایب از نظر! که غیبت را طولانی کردی در حالی که یاران تو غمگین و افسرده انتظار تو را می کشند. ای کسی که وعده تو بر ما طولانی شد، از توای مهدی مان یاری می طلبیم.

حضرت امام خمینی رحمه الله، دنیا را بی وجود امام مهدی علیه السلام هرگز تصوّر نمی‌کند و از طولانی شدن غیبت کبری زبان به گلایه می‌گشاید:
ای که بی نور جمالت نیست عالم را فروغی!
تابه کی در ظلّ امر غیبت کبری نهانی
پرده بردار از رخ و ما مُردگان را جان ببخشا
ای که قلب عالم امکانی و جان جهانی
(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۳۴)

حضرت امام خمینی رحمه الله در واقع جهان را بی حضور امام مهدی علیه السلام غرق در تاریکی و ظلمت به تصویر کشیده است. در نظر ایشان امام مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت از حال منتظران آگاه است و در میان آنها حضور دارد؛ زیرا بی وجود ایشان، جهان معنا و مفهومی ندارد. ایشان در ادامه امام مهدی علیه السلام منجی و حیات بخش و قطب عالم امکان مخلوقات معرفی می‌نماید.

سید حسن الشیرازی در قالب استعاره مصرحه «شیر شجاع» را امام مهدی علیه السلام ترسیم می‌کند که در بیابان بی آب و علف سکونت دارد:

أيا أسداً تَعْنُوْلَه الْأَسْدُ خَشِيَّةٌ إِلَيَّ مَ وَأَنْتَ اللَّيْثُ تَسْكُنُ فِدْفِداً؟
إِلَيَّ مَ إِلَيَّ مَ السَّيْفُ يَبْقَى مُعْطِلاً إِلَيَّ مَ إِلَيَّ مَ اللَّيْثُ يَبْقَى مُصْفِداً؟
(الشیرازی، ۱۴۲۶ق: ۴۳۶)

ای شیر که شیران در برابر او از روی خضوع گرنش می‌کنند، تا به کی، در بیابان سکونت داری؟ تا به کی شمشیر، بی تحرک باقی می‌ماند؟ تا چه زمانی، تا به کی شیر در غل و زنجیر باقی می‌ماند؟

شاعر امام مهدی علیه السلام را به شیرو غیبت کبری را به غل و زنجیر تشبیه و محل سکونت امام مهدی علیه السلام را به بیابان بی آب و علف سُکنا گزیده تشبیه کرده است. اولاً می‌توان علت تشبیه امام مهدی علیه السلام به شیر را شجاعت و حکمرانی مطلق ایشان بر تمام مخلوقات عنوان نمود. ثانیاً بیان غل و زنجیر شدن این شیر می‌تواند حاکی از غیبت کبری امام مهدی علیه السلام باشد؛ زیرا شیر سلطان جنگل است و چیزی جز غل و زنجیر نمی‌تواند شیر را برای حضور و حکمرانش بر بیشه منع نماید.

محمد مستقیمی (متخلص به راهی) با استفاده از پارادوکس و استعاره مصرحه و تضاد، غیبت کبری را این‌گونه به تصویر کشیده است:

باشد سوار صبح نهان در غبار شب باران نور اشک مگر بیشتر کنید
بس قصه ساز شد که به پایان دروغ بود در راستی حکایت خود را سمر کنید
(مستقیمی، ۱۳۷۸: ۲۳)

شاعر با استفاده از پارادوکس (صبح نهان) و استعاره مصرحه (باران اشک) که ریختن اشک را به ریزش باران تشبیه کرده، در حقیقت نور اشک را به کار برده است. او در قالب تضاد میان «صبح و شب» «دروغ و راستی» غیبت کبری را ترسیم کرده است. او با بیان عبارت «بس قصه ساز شد که به پایان دروغ بود» این را اعلام می‌دارد که در عصر غیبت کبری، برخی از افراد مدعی دروغین امامت امام مهدی علیه السلام شده اند که ادعای آنان دروغ و بی اساس بوده و این ادعاها تنها رسوایی برای آنان در پی داشته است.

با بررسی و مطالعه اشعار مطرح شده در مورد غیبت کبری، تنها شاعری از میان تمام شاعران مدنظر که به آغاز و پایان غیبت کبری اشاره داشته است، سید حسن میرجهانی بوده است و دیگر شاعران معاصر مطرح شده تنها به طولانی شدن عصر غیبت اشاره داشته‌اند و با تصاویر ادبی خویش سختی‌های عصر غیبت کبری را به تصویر کشیده‌اند.

عصر غیبت

عصر غیبت کبری و عدم درک حضور امام مهدی علیه السلام از سوی منتظران، موجب افزایش فشار و سختی زندگی شیعیان در طول تاریخ تشیع بوده است. شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام از تاریخ اموی تا عصر معاصر در شعر عربی و فارسی به وصف امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند و در میان اشعار خویش بالأخص در عصر معاصر به وصف غیبت کبری اشاره داشته‌اند و مصائب و مشکلات عصر غیبت را برای مخاطبان به تصویر کشیده‌اند.

مرتضی حیدری آل کثیر عصر غیبت کبری را عصر درد ورنج و مصیبت شیعیان معرفی می‌کند:

دیر کردی ای آسمان دیگر، زخم‌هایی تنش زبان شده‌اند
دیگران سایه‌های کوچک و سرد، قد علم کرده سایبان شده‌اند

السلام ای قنوت چیده شده ای پُراز خُلق برگزیده شده!

دامنت را بگستران حالا، که بلاهای ما جوان شده‌اند

(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۷)

به عقیده شاعر با بیان عبارت «دیگران سایه‌های کوچک و سرد، قد علم کرده سایبان شده‌اند» در حقیقت طولانی شدن غیبت کبری مسبب به وجود آمدن فرقه‌های ضالّه گردیده است. شاعر در عصر غیبت مسلمانان را که به مصیبت‌های تأسف بار مبتلا شده‌اند ترسیم کرده است.

سلمان هراتی طولانی شدن عصر غیبت را مجالی برای افزایش فقر و فساد در جامعه می‌داند:

احساس می‌کنم / عمارت‌ها بر شانه زمین / سنگینی می‌کنند / وبوی احتیاج / از درز کلبه‌ها بیرون زده است / و غربت راست کرداران / که دهان زخم برکتفشان می‌خندد (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۲)

هراتی در قالب استعاره مکنیه و تشخیص «زمین» را هم چون انسانی تجسم کرده است که عمارت‌ها بر شانه‌اش سنگینی می‌کند و با بیان «بوی احتیاج»، که احتیاج امری معنوی است را به بوکه امری حسی است اضافه کرده نوعی استعاره مکنیه را ترسیم نموده و عبارت «دهان زخم برکتفشان می‌خندد» را کنایه از فقر و محرومیت ایمان و اعتقاد غیبت دانسته است. هراتی با تلمیح به داستان ضحاک فقر و محرومیت ایمان و اعتقاد عصر غیبت را به مارهای اهریمنی که بر دوش ضحاک بوسه زدند و وسیله کشتار مردم بی‌گناه در عصر این شدند، تشبیه کرده است. به عقیده او، فقر ایمان و عاطفه در این عصر به زندگی‌های مجلل و تشریفاتی رخنه کرده است.

مهندس عبد الرزاق عبدالواحد در مورد غیبت امام مهدی علیه السلام این چنین سروده است:

فَمَنْ يَمْنَعُ الْقَلْبَ الصَّغِيرَ صَبَابَةً إِذَا مَا نَأَى الْأَحْبَابُ عَنْهُ وَحُجِّبُوا
ثَرَاكُ فِدَى سِلْمِي لِنَعْلِكَ رَاغِبٌ لَطُولِ غِيَابِ أُمِّ ظُهُورِكَ يَصْعَبُ

(عبدالواحد به نقل از الموسوی، ۲۰۱۲)

پس چه کسی قلب کودک را از عشق تو باز می‌دارد هنگامی که فریاد معشوقان از برای اوست و پنهانش کردند. تو را می‌بینم در حالی که برای صلح جویان در طول غیبت یا

ظهور تو زندگی دشواری می‌گردد.

محمد علی مجاهدی (متخلص به پروانه) غم و اندوه مردم جهان را در عصر غیبت در حالی روایت می‌کند که زندگی معنا و مفهوم خویش را از فرط ظلم و ستم حاکم بر جهان از دست داده است:

باز آی ای چوبوی گل از دیده‌ها نهن! کز رنج انتظار پشت فلک خمید
باز آکه دیده در همه نا مردم جهان دیری ست تا که رادی و آزادگی ندید
(مجاهدی، ۱۳۸۴: ۴۱۷-۴۱۶)

مجاهدی در قالب استعاره مکنیه و حس آمیزی «بوودیدن» در (چوبوی گل از دیده‌ها نهن!)، وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در عصر غیبت به بوی گل پنهان از دیده‌ها تشبیه نموده است و از محضرایشان تعجیل در فرج را درخواست می‌کند و با استفاده از تشخیص و استعاره مکنیه «پشت فلک خمیده» درد فراق و انتظار را به حدی سخت تجسم کرده که از فرط آن قد آسمان خمیده گردیده است.

معروف عبدالمجید نیز غیبت را این‌گونه ترسیم کرده است:

یا غائباً، طال الغیاب، وعیننا تَشْتَأُّ طَلْعُكَ الْبَهِيَّةَ، فَطْلِعَ
یا راجعاً بَعْدَ الذَّهَابِ، قُلُوبِنَا مُدْتُ إِلَيْكَ، كَمَا الْيَادِي، فَارْجِعْ
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۲۲)

ای غائبی که غیبت تو طولانی شد و چشمان ما به چهره درخشان تو مشتاق شد، پس طلوع کن. ای کسی که بعد رفتن برمی‌گردد، قلب‌های مان همانند دستان مان به سوی تو دراز شده است، پس بازگرد.

رضا اسماعیلی در خطاب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، جهان را بی حضور ایشان تلخ و سخت مجسم کرده است. او زندگی خویش را در عصر غیبت نهایت ظلمت و تاریکی معرفی می‌کند و از محضر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه درخواست می‌کند که بر او عنایت فرماید تا از حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه روشنایی و مهر بر زمین تابیده شود و تمام دردهای جامعه شاعران به پایان برسد:

ما بی تو، بی خدا و جهان بی تو، روسیاه تلخ است و سخت، زندگی بی تو، نازنین
ما بی تو در قیامت ظلمت نشسته‌ایم پلکی بزن، سپیده ببارد بر زمین
(اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۲۸۳)

خوشدل تهرانی نیز از عصر غیبت کبری با عنوان عصر مشکلات و تیرگی‌ها سخن می‌گوید و به وصف دل‌های بی‌قرار منتظران ظهور می‌پردازد که از مدت انتظار و سختی آن غمگین و افسرده گشته و خواستار پایان غیبت کبری شده‌اند:

روز ظهور مهدی موعود علیه السلام کی رسد پایان شام تیره‌ی رنج و الم کجاست
دل‌ها ز طول غیبت آن شه ملول گشت بزدايد آن که از دل ما زنگ غم کجاست
(تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۲۴)

محسن ابوالحب در فراق و غیبت امام مهدی علیه السلام خودش را دچار غم و مصیبت می‌بیند:

فِي لَيْلَةٍ طَبَّقَ الْآفَاقُ غَيْبَهَا وَغَابَ عَنْ أَعْيُنِ الرَّائِينَ كُوكِبَهَا
لَمْ تَدْرِ يَوْمًا سَوَاكُم مَلَجًا أَبَدًا إِنَّ دَبَّ مِنْ مَوْذِيَّاتِ الدَّهْرِ عَقْرَبَهَا
مَوْلَايَ كُلَّ رَزَايَانَا وَإِنْ عَظُمَتْ أَدْنَى رَزَايَاكُم فِي الدَّهْرِ أَصْعَبَهَا
(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۶)

در شبی که افق‌ها غیبتش را پوشاند و ستارگان از چشمان نظاره‌گران ناپدید گشت. روزی که پناهگاهی جزب شما نباشد، اگر سختی آن از آزارهای روزگار پیش رود. مولای من، همه مصیبت‌های ما اگرچه بزرگ باشند از مصیبت‌های شما در روزگار اگر چه سخت‌تر باشد کمتر است.

عبد الخالق الجنبي با سوال از خاتمه یافتن امر غیبت کبری این‌گونه می‌گوید:
هَلْ يَنْتَهِي ذَلِكَ الْإِبْتَدَا لِيَرْفَعَ عَنَّا سُيُوفَ الْجَفَاءِ
فَمَا لِإِنْتَظَارِكَ لَا يَنْقُضِي وَهَلْ يَخْرُجُ الشَّائِرُ الْمُرْتَجَى
(الجنبي به نقل از الموسوي، ۲۰۱۲)

آیا آن آغاز به پایان می‌رسد تا از میان ما شمشیرهای خشونت بالا برده شود؟ پس از آنچه برای انتظارتوست به پایان نمی‌رسد، و آیا منتقم مرتجی ظهور می‌کند؟

با بررسی اشعار ذکر شده در وصف غیبت کبری می‌توانیم ذکر کنیم که: اولاً، شاعران معاصر زبان فارسی نسبت به شاعران عرب بیشتر به وصف عصر غیبت امام مهدی علیه السلام و بیان مشکلات عصر خویش پرداخته‌اند که دلیل بیان مشکلات عصر شاعران معاصر فارسی می‌تواند آزادی بیان این شاعران بخاطر حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد؛

زیرا تا به امروز بسیاری از جوامع عربی در زیر سلطه استعمارگران غرب و حکومت‌های فاسد هستند. ثانیاً، شاعران معاصر عربی و فارسی شاهد حکومت‌های فاسد همچون حکومت پهلوی و رژیم منفور عراق و استعمارگران بیگانه همچون انگلیس و... بوده‌اند و درد ورنج مردم جامعه خویش را در عصر غیبت مشاهده کرده و آن را برای مخاطبان خویش به تصویر کشیده‌اند.

فلسفه غیبت

غیبت کبری، بنا بر اراده و خواست الهی به این تعلق گرفته است که تا به درازا کشیده شود، در این میان آنان که خوب تعقل و تفکر می‌کنند، هرگز به بیراه نمی‌روند و بر انتظار خویش ثابت قدم می‌مانند. عصر غیبت، طبق روایات و احادیث متواتر، عصر آزمودن ایمان شیعیان محسوب می‌شود، شیعیان به خاطر عدم دیدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر غیبت کبری امتحان می‌شوند و تنها گروهی اندک از مخلصان بر عقیده خویش باقی می‌مانند و امید به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از دست نمی‌دهند و همیشه منتظر ایشان باقی می‌مانند. برخی از شاعران معاصر در اشعار خویش، فلسفه غیبت کبری امتحان و حکمت الهی ترسیم کرده‌اند.

سید رضا موسوی هندی علت واقعی غیبت کبری را از جانب پرودگاران آزمودن و امتحان ایمان و امید شیعیان معرفی می‌کند:

فَإِنَّ أَخْرَأَ اللَّهِ الظُّهُورَ لِحِكْمَةٍ بِهِ سَبَقَتْ فِي عِلْمِهِ وَلَهُ الْأَمْرُ
(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

اگر خداوند ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از روی حکمت به تأخیر انداخته است، این تأخیر به علت علم اوست در حالی که فرمان متعلق به اوست. (زمان سرآمدن غیبت تنها به امر و اراده الهی امکان پذیر است).

سید حسن میرجهانی، فلسفه غیبت کبری را آزمایش بزرگ ترسیم کرده است:

فَالْغَيْبَةُ الْكُبْرَى بِمَوْتِهِ ابْتَدَتْ وَالْفِتْنَةُ الْعُظْمَى بِهَذِهِ بَدَتْ
مُدَّتْهُ أَنْتَهَتْ إِلَى الظُّهُورِ لَيْسَ لَهَا وَقْتُ عَلَى الْمَأْثُورِ
غَيْبَتُهُ تَكُونُ مُسْتَطِيلَةً يَظْهَرُ بَعْدَ الْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ

(میرجهانی، ۱۳۸۸ ق: ۲۰۱-۱۸۴)

پس آغاز غیبت کبری با مرگ او (آخرین نواب اربعه) صورت گرفته است. و امتحان بزرگ با این مدت آغاز شده و مدت آن تا به هنگام ظهور ادامه دارد و برای آن وقت معینی نیست و آن غیبت، غیبتی طولانی است که بعد از مدت طولانی ظاهر می‌گردد.

میرجهانی و سید رضا موسوی هندی، فلسفه غیبت کبری را امتحان الهی معرفی کرده‌اند که این بیان برگرفته از احادیث متواتر در این باره است. از جمله این احادیث می‌توانیم حدیثی از امام صادق علیه السلام را متذکر شویم که فرمودند:

غیبت قائم علیه السلام به طول می‌انجامد تا حق روشن گردد و ایمان محض از تیرگی خالص شود و هر که از شیعیان سرشت ناپاک دارد و بیم آن هست که اگر از امکانات وسیع و امن و امان گسترده در عهد قائم علیه السلام آگاه شود از درنفاق درآید، به ارتداد گراید، و با ارتداد آنها خالص و ناخالص از یکدیگر جدا شود. (سلیمان، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۹۵)

شیخ محمد حسین الإصفهانی غیبت کبری را رازی سربه مهر معرفی کرده است:

آيَاتُهُمْ مِنْ غَيْبَةِ الْمُسْتَكْتَمِ الْمُنَى لِفِرَاسَةِ الْمُتَوَسِّمِ
يَا غَائِبَ الْآلِ الَّذِي ظَهَرَ بِهِ هَا أَنْتَ تَظْهَرُ كُلَّ أَنْ آيَةٍ فِيهَا
(الإصفهانی به نقل از الموسوی، ۲۰۱۲)

نشانه‌های آنان از غیبت راز است، آرزویی برای خردمندی شیفته، ای غائب خاندانی که به وسیله او ظاهر شد، در حالی که هر نشانه‌ای را ظاهر می‌نماید.

محمد رضا حکیمی نیز علت غیبت کبری امام مهدی علیه السلام را سر و حکمت الهی ترسیم کرده است:

فَقُلْتُ ذَلِكَ سِرُّ اللَّهِ قَدْ حُفِظَتْ بِهِ الْعَوَالِمُ وَالتَّذِيلُ مِنْ عَظَمِ
(حکیمی، ۱۳۹۰: ۲۹۹)

گفتم، غیبت سرّ خدایی است و همه جهان هستی به وسیله او برپاست و عظمت دنباله و طفیل اوست.

سید محسن الأمين نیز این چنین گفته است:

وَلَوْلَا مَا تَمَّتْ مِنْ اللَّهِ حُجَّةٌ عَلَى خَلْقِهِ كَلَّا وَلَا انْقَطَعَ الْعُذْرُ
فَهَذَا صَرِيحُ الْعَقْلِ وَالتَّقَلُّ مِنْكُمْ وَمِمَّا بَأَنَّ لَمْ يَخْلُ مِنْ حُجَّةٍ عَصَرَ
(الأمين، ۱۴۲۹: ق: ۲۷)

و اگر وجود حجت الله از جانب پروردگار بر خلقش تمام شده بود، هیچ عذری بر آنها باقی نمی ماند. پس این از نظر عقل و نقل صریح است که زمان از حجت خالی نشده است.

بیان این ابیات در مورد بیان فلسفه غیبت کبری از سوی شاعران اشاره به روایات مختلف در این باره دارد. از جمله این احادیث به این سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد می کنیم که در وصف امام مهدی علیه السلام فرمودند:

همان کس است که خدا عزوجل به دست او مشارق و مغارب زمین را بگشاید، از دوستان خدا غیبتی دارد که ثابت نماند مگر کسی که خدا دلش را به ایمان آزموده است. (کلینی، بی تا: ج ۲، ۸۶۷)

حضور در مقابل غیبت

امام مهدی علیه السلام طبق روایات متواتر همچون افراد عادی زندگی می نمایند و در جوامع و امکان عمومی حاضر می شوند که وجود این روایات این را اعلام می دارد که غیبت کبری هرگز مانع درک حضور امام مهدی علیه السلام نمی باشد و غیبت امام مهدی علیه السلام هرگز به معنای آن نبوده که ایشان غایب مطلق هستند بلکه در این عرصه و عصرهای گذشته بسیاری از سالکان و دیرمسلمانان به حضور و محضر امام مهدی علیه السلام نائل شده اند.

حضور در جامعه

غیبت در حقیقت نقطه مقابل ظهور است؛ به عبارت دیگر غیبت به معنای عدم ظهور است، نه عدم حضور. این بدان معناست که امام مهدی علیه السلام همانند سایر مردمان در جامعه زندگی کرده و در میان مردم حضور و رفت و آمد دارند و بر اعمال آنان ناظر و آگاه می باشند. در احادیث بسیاری چنین آمده است که امام مهدی علیه السلام به طور ناشناس در جامعه حضور دارند و در بین مردم زندگی و رفت و آمد می نمایند و در مجامع عمومی میان مسلمانان از جمله مراسم حج و مواقع گرفتاری شیعیان حضور یافته و در حل مشکلات آنان می کوشد. بنابراین، امام مهدی علیه السلام را هرگز نباید غایب مطلق بپنداریم؛ زیرا ایشان طبق احادیث متواتر در جامعه حضور دارند. اکثریت شاعران معاصر مطرح شده، غیبت کبری را مانع حضور امام مهدی علیه السلام در جامعه ندانسته اند و در بسیاری از اشعار مهدوی خویش در وصف سیمای امام مهدی علیه السلام، حضور ایشان را در

عصر او

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۶

کنار مردم جامعه به تصویر کشیده‌اند.

نزار الحرنیز حضور امام مهدی علیه السلام را در جامعه خویش احساس می‌نماید:

مُقِمِّمٌ فِینَا وَ مُنْتَظَرٌ رَیْسُ — رُوُوْ تَشْرِیْفِنَا اِلَیْکَ اَنْتَسَابُ
(الحر به نقل از نورالدین، ۱۴۲۹ق)

تو در میان ما اقامت داری، در حالی که ما منتظر تو هستیم و مقام ما به سوی تو ختم می‌شود.

در نظر خوشدل تهرانی، ادامه حیات جهان بدون وجود و حضور حضرت امری امکان‌ناپذیر است:

این جان چون جسم باشد اندر آن حجت چو جان
جسم بی جان کی تواند زنده ماند در جهان
از صفی تا خاتم و از خاتم و سلطان عصر
بی ولی و حجت این گیتی نماند جاودان
(تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۱۱)

شاعر جهان هستی را به جسم انسان و امام مهدی علیه السلام را به جان تشبیه نموده است. همان‌گونه که جسم و جان، قرین هم هستند و بی وجود یکدیگر نمی‌توانند ادامه حیات دهند، جهان هستی نیز بی وجود امام مهدی علیه السلام نمی‌تواند امکان بقا یابد. شاعر در ابیاتی دیگر می‌گوید:

یار در پرده و از پرده برون بس غوغاست همه کس دلبر نادیده خود را جویاست
نقطه دایره کون و مکان ناپیداست کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست
(همو: ۴۴۲)

شاعر وجود امام مهدی علیه السلام را به یار پرده نشینی تشبیه نموده است که برون از آن پرده غوغایی عظیم بر سر منزلگه ایشان رخ داده است. شاعر مردمانی را به تصویر کشیده است که دل بر عشق یاری نهاده‌اند که هنوز محضر ایشان را درک نکرده‌اند بی‌آن‌که از محل زندگانی ایشان اطلاع داشته باشند. به عقیده شاعر امام مهدی علیه السلام در میان مردم جامعه حضور دارند.

به عقیده کاشف الغطاء حضور امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت امری واضح و ضروری است:

بِنَفْسِي بَعِيدُ الدَّارِ قَرَّبَهُ الْفِكْرُ وَأَدْنَاهُ مِنْ عُشَّاقِهِ الشَّوْقُ وَالذِّكْرُ
تَسْتَرُّ لَكِنْ قَدْ تَجَلَّى بِنُورِهِ فَلَا حُجُبٌ تُخْفِيهِ عَنْهُمْ وَلَا سِتْرُ
(کاشف الغطاء به نقل از نوری طبرسی، بی تا: ۱۷۷)

جانم به فدای کسی که منزل او دور است ولی فکر او به من نزدیک است و شوق و یاد او را به عشاق نزدیک می کند. پنهان مانده ای ولی نور وجود او درخشید، پس هیچ حجاب و پوششی او را از آنها نمی تواند مخفی کند.

شاعر با بیان این عبارات حضور امام مهدی علیه السلام را در قلب خویش مجسم می کند و فاصله و غیبت کبری، مانع حضور ایشان در ذهن و قلب شاعر شده است و عشق و علاقه به امام مهدی علیه السلام باعث تجلّی حضور ایشان در قلب شاعر گشته است. شاعر، در بیتی دیگر عقیده دارد که حضرت ولی عصر علیه السلام در جوامع مختلف و شهرهای گوناگون بر حسب حکمت الهی حضور می یابد و مردم از برکت وجود ایشان بهره مند می گردند:

بَلَى هُوَ فِي الْأَمْصَارِ غَادٍ وَرَائِحُ يَخِيبُ بِهِ مَصْرٌ وَيَحْظَى بِهِ مَصْرٌ
(همو: ۱۸۰)

بله، او صبحگاهان و شامگاهان در شهرهای مختلف در حرکت است، پس شهری از وجود ایشان بی بهره و شهری از وجود ایشان بهره مند می گردد.

رضا اسماعیلی، اعتقاد دارد که امام مهدی علیه السلام در جامعه حضور دارد و این ما منتظران هستیم که در غیبت ایمان و اعتقاد به سر می بریم و علت عدم حضور خود ما هستیم: تو حاضری / در خانه و کوچه و خیابان / ما اما / به آسمان خیره شده ایم و / غیبت خودمان را باور نمی کنیم (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۲۹۹)

حسن محمد نورالدین همین مضمون را این چنین تصویر نموده است:

تمثلي وَلَكِنْ دُونَ أَنْ نَدْرِي / بِأَفْتَدَةِ اللَّيَالِي وَالسِّنِينَ / وَتَقِيمُ فِي الْأَحْدَاقِ فِي السَّمَاوَاتِ / فِي
جُفَى الْبُؤْسِ وَالْيَاسَمِينِ (نورالدین به نقل از نورالدین، ۱۴۲۹ق):
راه می روی، در حالی که ما تو را درک نمی کنیم / با آرامش شب ها و سال ها / تو را در
باغ ها، در نسیم سُکنی گزیده ای / در پلک شبنم و یاسمین.

به عقیده یحیی الشامی نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در هر شهر و سرزمین حضور دارد اما این خود ما منتظران هستیم که از محل زندگی ایشان به دلیل عدم آمادگی کافی برای حضور ایشان بی بهره هستیم:

قَرَّةَ الْعَيْنِ أَيُّ أَيُّ دِيَارٍ يَا غَرِيبَ الدِّيَارِ وَالْأَوْطَانِ
أَنْتَ فِيهَا وَأَيْنَ أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِالْغَرِيبِ النَّوَى وَأَيُّ مَكَانِ
(الشامی به نقل از نورالدین، ۱۴۲۹ ق)

ای نور دیده هر دیار، ای غریب شهر و سرزمین / تو حضور داری و کجا منزل گزیده ای تا کجا این دوری سرکشیده است و در کدام مکانی؟

شاعر حضور امام را در حالی به تصویر می کشد که شیعیان و منتظران ایشان راه خود را گم کرده اند و گاهی به بیراهه رفته اند:

كَمْ شَدِيدٍ قَدْ ضَلَّ يَوْمًا سَبِيلًا وَهُوَ يَمْشِي فِي الْأَرْضِ كَم رِكْبَانٍ
وَأَنَاسٌ تَقَطَّعَتْ بِهِمِ السُّبُبُ لَوْلَا أَنْتَ ظَاهِرٌ لِلْعِيَانِ
بَيْنَهُمْ فِي حَيْرَةٍ وَضَلَالٍ وَسَهَامِ الْحَتُوفِ مِنْهُمْ دَوَانِي
لَحَظْتُكَ الْعَيُونَ لِلتَّوَلُّكِ كُنْتَ أَنْأَى مَنْ حَيَزُ الْأَذْهَانِ
ثُمَّ لَمَّا أَنْجَيْتَهُمْ مِنْ هَلَاكِ وَتَرَدُّوا بِعَصْمَةٍ وَأَمَانِ
(همو)

چه بسیار آواره ای در روز راه را گم کرده است در حالی که او در روی زمین راه می رود. چه بسیار است رهروان (پیروان)، و چه بسیارند مردمی که به وسیله ی آنان، راه خویش را پیموده اند در حالی که تو ظاهری برای آن دیدگان. تو یار و یاور آنها هستی ولی با چهره ای به جز چهره واقعیت. هنگامی که آنها در حیرت و گمراهی اند و تیر مرگ آنها را مورد هدف قرار می دهد. تو را با چشمانم دیدم اما تواز محدوده ذهن ها به دور هستی. سپس هنگامی که آنها را از هلاکت نجات دادی و در حال که عصمت و امنیت را به آنها برگردانیدی.

نادر بختیاری حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را مقابل ظهور تصور نمی کند، بلکه عقیده دارد که این غیبت در واقع به تصویر کشیدن حضور ایشان است؛ زیرا ایشان نوری از ذات الهی می باشند که به وسیله حضور او، جهان روشن شده و ظلم و ستم به وسیله ظهور از بین خواهد رفت:

نه در غیبت است، این، حضور است و که او، موج در موج نور است و بس
جهان، روشن است از رخ ماه او ستم، سوزد از آتش آه او
(بختیاری، ۱۳۸۷: ۳۱۹)

سعید بیابانکی در ابیاتی حضور امام مهدی علیه السلام را با استعاره مصرحه «گل شب بو»
اینگونه ترسیم کرده است:

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من کجایی ای گل شب بوی بی نشانی من؟
چنین که بوی تنت در رواق ها جاری ست چگونه گل نکند بغض جمکرانی من؟
عجب حکایت تلخی ست ناامید شدن شما کجا و من و چادر شبانی من؟
(بیابانکی، ۱۳۸۷: ۲۳۴)

شاعر با بیان این ابیات خود را در گوشه ای از مسجد جمکران ترسیم کرده که با امام
خویش خلوت گزیده و ایشان را فرا می خواند که اذن حضور دهد؛ زیرا عقیده دارد که ایشان
در مسجد حضور دارند و از حال او آگاهند، اما شاعر از خویش می پرسد چگونه بغض او
گره کار را باز نمی کند و هنوز چهره امام را ندیده است پس حکایت تلخ فراق را متذکر
می شود که بین او و وجود امام به خاطر اعمالش فرسنگ ها فاصله وجود دارد.

اوج حضور موعود را می توان در کلام طاهره صفارزاده دید، آن جا که امام مهدی علیه السلام
نانوشته شعر و کلام شاعر را می خواند و می داند. شاعر، در برابر سرودن این عبارت ها تأیید
ایشان را می طلبد:

این همه نزدیکی / نزدیک آنچنان / که خط مرا می خوانی / و جمله ی بعدی را
می دانی / همواره مهر نامه آغثنی / امضا همیشه آدرکنی ست / آغثنی از تولد ما می آید /
این خط امید وصل تو را دارد / این رقعہ / این عریضه / الساعه / در انتظار جواب است.
(صفارزاده، ۱۳۸۴- الف: ۱۴۶-۱۴۵)

حسین آل الجامع، در عصر غیبت هدف و آرزویش را در ولایت امام مهدی علیه السلام ترسیم
می کند و اعتقاد دارد ایشان از احوال او آگاهی کامل دارد و همیشه مراقب اوست:

وَعَقَدْتُ فِي حَبْلِ الْوَلَايَةِ نَيْتِي إِنَّ الْإِمَامَ بَعَيْنُهُ يَرْتَانِي
(آل الجامع به نقل از الموسوی، ۲۰۱۲)

در ریسمان ولایت هدفم را بستم اما امام با دیدگانش مراقب من است.

سید جمشید میرسلیمی حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در جامعه خویش در حالی به تصویر می‌کشد که عدم درک وجود ایشان برگرفته از سستی ایمان و اعتقاد منتظران است. شاعر با بیان ابیات ترسیم می‌کند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه غایب مطلق نیست؛ بلکه این منتظران هستند که در زندان امور دنیا گرفتار آمده اند و این باعث عدم درک حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شده است:

تو پیدایی و ما در پرده هستیم تو آزادی و ماها برده هستیم
بینداز پرده از رخسار مجرم درون آتش و بی حربه هستیم
(میرسلیمی، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

سید حسن الشیرازی، همه کس و همه چیز را جز وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خیال و دروغ می‌پندارد:

كُلُّ شَيْءٍ - سِوَاكَ - كِذْبٌ وَ زُورٌ كُلُّ شَخْصٍ - سِوَاكَ - رُبُّ الْعَدَاءِ (الشیرازی، ۱۴۲۶ ق: ۹۸)

همه چیز جز تو دروغ و فریب است و هر شخصی به جز دشمن باشد.

با بررسی اشعار شاعران ذکر شده، آنها حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در جامعه امری ضروری به تصویر کشیده اند. به عقیده تمام این شاعران، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در میان مردم جامعه به طور ناشناس زندگی می‌کنند و در مواقع گرفتاری آنان به کمک شان می‌شتابد، بی آن که کسی از هویت ایشان اطلاع داشته باشد که این عقیده شاعران اقتباس از روایات متواتر رسیده از اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. از جمله این روایات به این سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام بسنده می‌کنیم که فرمودند:

حجت خداوند بر زمین استوار است. در جاده‌ها حرکت می‌کند، در خانه‌ها و قصرها وارد می‌شود و شرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود، تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و پیروان اوست. (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۷۸: ۶۱)

حضور در مراسم حج

طبق روایات متواتر، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در جوامع مختلف مسلمانان و اجتماع عظیم آنها

در مراسم حج حضور می‌یابند و از احوال مسلمانان آگاه‌اند. برخی از شاعران معاصر هر دو زبان حضور امام مهدی عج در مراسم حج را به تصویر کشیده‌اند.

یحیی الشامی امام مهدی عج را مونس شب‌های وحشت خویش می‌داند، شاعربا اقتباس از احادیث متواتر در مورد حضور امام مهدی عج در مراسم حج و آگاهی ایشان از احوال شیعیان در مورد حضور امام مهدی عج این‌گونه می‌گوید:

يا أنيسَ القلوبِ في وحشةِ الدّر	بِ ولیلِ المشردِّ الحیران
حاضرُ أنتَ في المواسمِ طراً	شاهدُ أنتَ في ضميرِ الزمان
ما خلّت منك حقبةٌ كيفَ تَخْلُو	مِن امامٍ في السّرِّ والإعلان
حدّثتني الرّكبَانُ عنكَ فقالت	أنتَ في كُلِّ بقعةٍ ومكان
في أعالي البحارِ في كُلِّ نجدٍ	في الصّحاريّ القفارِ في القيعان

(الشامی به نقل از نورالدین، ۱۴۲۹ ق)

ای مونس قلب‌ها در وحشت جاده و شب دل آشفته. همانا تو در مراسم حج (همگانی) شاهد و حاضر هستی، آری تو در درون زمان جاری هستی. روزگار از وجود تو خالی نیست، چگونه ممکن است زمانه از وجود امام به صورت پنهان و آشکارا خالی گردد؟ همراهانم در مورد تو صحبت می‌کنند گفت تو در هر مکان هستی. در والاترین دریاها، در کل سرزمین نجد، در بیابان‌ها خالی از سکنه و دشت‌ها.

محمد جواد البلاغی نیز در قصیده خویش، حضور امام مهدی عج را در مراسم حج به تصویر می‌کشد، شاعر حضور امام مهدی عج را همچون حضرت خضر و الیاس علیهم السلام به ترسیم کرده است که در جوامع مختلف حضور دارند بی آن‌که کسی از چهره واقعی این دو پیامبر اطلاعی داشته باشد:

وَلَا عَجَبَ إِنْ كَانَ فِي كُلِّ حِجَّةٍ	يُحِجُّ وَفِيهِ يَسْعَدُ التَّحَرُّ وَالتَّفَرُّ
وَيَعْرِفُهُ الْبَيْتُ الْحَرَامُ وَرُكْنُهُ	وَزَمَزَمُ وَالْأَسْتَارُ وَالْخَيْفُ وَالْحَجَرُ
وَلَكِنَّهُ عَنِ أَغْيَنِ النَّاسِ غَائِبٌ	كَمَا غَابَ بَيْنَ النَّاسِ إِلْيَاسُ وَالْخَضِرُ

(البلاغی به نقل از نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۹۲-۱۹۱)

و تعجیبی ندارد اگر او در هر مراسم حجی، حج می‌گذارد و در آن قربانی می‌کند و برائت به جا می‌آورد. خانه کعبه و رکن و چاه زمزم و مسجد خیف و حجر الأسود او را می‌شناسند. ولی او از دیدگان مردم غایب است همان‌گونه که الیاس و خضر از بین

مردم غایب شدند.

این ابیات ذکر شده اقتباس از احادیث متواتر در این زمینه می باشد. عبید بن زراره گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: مردم امام خود را نیابند. امام در موسم حج حاضر باشد؛ مردم را ببیند و مردم او را نبینند. مقصود این است که به عنوان امامت او را تشخیص ندهند و او را نشناسند. (کلینی، بی تا: ج ۲، ۵۶۷-۵۶۶)

جهان بی حضور امام مهدی علیه السلام

شاعران معاصر هر دوزبان در طول وصف امام مهدی علیه السلام، همیشه به حضور دائم ایشان در کنار مردم جامعه در اشعار خویش معترف بوده اند. آنان بر این باورند که اگر روزی وجود امام مهدی علیه السلام از ما دریغ شود، دیگر دنیای وجود نخواهد داشت؛ زیرا جهان به وجود ایشان قائم و پابرجاست و بیان این ابیات، اوج لذت حضور امام مهدی علیه السلام را برای مخاطبان بازگو می کند.

شیخ محمد حسین الإصفهانی، امام مهدی علیه السلام را مدار کل جهان بر می شمارد و این بیان حاکی از حضور امام مهدی علیه السلام در جامعه است:

هُوَ الْمَدَارُ بَلْ هُوَ الْمُدِيرُ بِأَمْرِهِ التَّقْدِيرُ وَالتَّيْدِيرُ
وَعَالَمُ الْإِبْدَاعِ تَحْتَ أَمْرِهِ وَنَشْأَةُ الْتَّوَوِينِ دُونَ قَدْرِهِ
(الإصفهانی، ۱۴۲۳ق: ۱۲۶)

او مدار است بلکه او مدیر است که به امر او تقدیر و تدبیر است. و عالم ابداع تحت امر اوست و شکل گیری جهان بدون او (بی ارزش است) نزد او بی ارزش است.

رضا اسماعیلی بی بهانه ظهور و وجود امام مهدی علیه السلام، هدف خلقت را ناتمام ترسیم می کند:

ای موعود! / بی بهانه ظهور تو / خداوند برای همیشه / کرکری هستی را پایین می کشید! / ای بهترین دلیل تبسم! ظهور کن / فصل نبود خنده ی ما را، مرور کن (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۲۷۳)

محمد سعید الجشی، دنیا را بی حضور امام مهدی علیه السلام تاریک و تاراج می کند، شاعر جامعه خود را همچون کشتی گرفتار در طوفان گمراهی ها ترسیم کرده است که این

بیان شاعرگواه سرگشتگی‌ها و آشفتگی‌های عصر غیبت است:

یا غائباً تُرتجی فی الناس طَلَعُهُ مَتَى الْقِيَامُ فَإِنَّ اللَّيْلَ مُتَعَكِّرُ
مَتَى النُّهُوضُ فَقَدْ ضَلَّتْ سَفَائِنُنَا بِمَائِجِ صَاخِبِ فَائِتٍ بِهِ الْعَصْرُ
كُلُّ السَّفَائِنِ غَرَقَى غَيْرُ وَاحِدِهِ بِهَا النِّجَاةُ وَفِيهَا يَأْمِنُ الْبَشَرُ
(الجشی به نقل از آل درویش، ۲۰۱۱: ۵۶۳)

ای غایبی که چهره او در میان مردم مورد امید است، کی قیام می‌کنی؟ زیرا همانا شب تیره و تار شده است. کی قیام می‌کنی پس کشتی‌های مان با دریایی طوفانی گمراه به بیراه رفتند، زمان به سوی او می‌رود. همه کشتی‌ها بدون وجود تو غرق می‌شوند، و با وجود تو نجات می‌یابند و در آن بشریت امنیت می‌یابد.

جهان بی‌وجود امام مهدی علیه السلام، در نظر مشفق کاشانی معنا و مفهوم ندارد و زمین بی‌وجود ایشان سرد و بی‌روح می‌گردد و هیچ گلی ثمر نمی‌دهد و پرندگان در آشیانه‌شان جایگاهی نداشته و آواره و حیران می‌گردد، بی‌وجود ایشان کشتی ناخدای ندارد و هرگز به مقصد نخواهد رسید:

شگفت نی، ندمد مهر خاوران، بی‌تو سپیده دم زگریبان کهکشان، بی‌تو
زمین زسردی دی، چون دل من افسرده است چوگوی یخ زده در بستر زمان، بی‌تو
ترانه گل نکند در نگارخانه‌ی عشق پرنده پرنزند سوی آشیان، بی‌تو
به سوی ساحل امید ره نخواهد برد عنان کشتی از این موج بی‌کران، بی‌تو
پریده رنگ گل از خم تازیانه باد گرفته رنگ خزان، باغ ارغوان بی‌تو
بیاکه سوسن آزاد در سرای بهار حدیث عشق نگوید به ده زبان، بی‌تو
(کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

کاشانی، «کشتی» را نماد جامعه بشری مجسم کرده است؛ زیرا جامعه بدون وجود امام مهدی علیه السلام هرگز به سعادت و خوشبختی نمی‌رسد و هدف نهایی انسان از خلقت که همان رسیدن به کمال نهایی است هرگز محقق نخواهد شد.

با بررسی و مطالعه اشعار ذکر شده به این نتیجه رسیدم که شاعران معاصر، جهان را بی‌وجود امام مهدی علیه السلام تصور ناپذیر ترسیم کرده‌اند؛ زیرا تمامی این شاعران به این نکته واقف بوده‌اند که هدف اصلی خلقت، وجود امام مهدی علیه السلام می‌باشد که مدار و قطب عالم امکان است و اعتقاد به غیبت کبری هرگز مانع از باور حضور امام در جامعه نبوده

است. این شاعران با بهره‌گیری از نمادها و آرایه‌ها حضور ایشان را ترسیم کرده‌اند.

خورشید پشت ابر

امام مهدی علیه السلام، طبق روایات متواتر در عصر غیبت حضور دارند و بسیاری از مردم همه روزه از حضور ایشان در زندگی‌شان بهره‌مند می‌گردند. در بسیاری از روایات وارد از اهل بیت علیهم السلام، امام مهدی علیه السلام به خورشید پشت ابر تشبیه نموده شده است که بسیاری از شاعران معاصر زبان عربی و فارسی نیز از این تشبیه اقتباس نموده‌اند و در وصف ایشان با عنوان «خورشید پشت ابر» با زبان مستقیم و غیرمستقیم یاد کرده‌اند.

شیخ محمد حسین الإصفهانی نیز حضور امام مهدی علیه السلام را در هم چون خورشید پشت ابر به تصویر کشیده است:

بِهِ اسْتَنَارَ عَالَمُ الْإِمْكَانِ بَلْ نَشَأَةُ الثُّبُوتِ لِلْأَعْيَانِ
أَشْرَقَ كَالشَّمْسِ ضُحَى النَّهَارِ مِنْ سَتِيرِ عَالَمِ الْأَسْرَارِ
أَكْرَمَ بِهِ مِنْ غَائِبٍ مَشْهُودٍ بَدَأَ مِنَ الْغَيْبِ إِلَى الشُّهُودِ
لَيْسَ سِوَاهُ نَيْرٌ مُغَيَّبٌ فَهُوَ عَنِ الْغَيْبِ الْمَصُونِ يُعْرَبُ
(الإصفهانی، ۱۴۲۳ق: ۱۲۴)

به واسطه او عالم امکان روشن شده بلکه ثبوت برای بزرگی ایجاد شده است. او هم چون خورشید چاشتگاه از پشت عالم اسرار می‌درخشد. چه گرامی است آن غایب مشهودی که از عالم غیب برای عالم شهود ظاهر شد. جزا و روشنی بخشی نیست که با وجود غایب بودن، نورافشانی کند و از پس پرده غیب صیانت شده، سخن بگوید.

به عقیده طاهره صفارزاده غیبت کبری مانع حضور امام مهدی علیه السلام نیست و ایشان هم چون خورشید وجود دارد و بر اعمال منتظران حاضر و ناظر است:

توناظری / تومی دانی / ظهورکن / ظهورکن که منتظرت هستم / ظهورکن که منتظرت هستم / تو مثل ماه / ستاره / خورشید / همیشه هستی (صفارزاده، ۱۳۸۴ - ب: ۱۳۷)
شاعر حضور امام مهدی علیه السلام را به خورشید پشت ابر تشبیه نموده است:

ای آفتاب ابری / بر ما بیار / تا بشکفیم در بهار ورودت / از خاک انتظار (صفارزاده، ۱۳۸۴ - الف: ۱۴۶)

سید محسن الامین نیز بر این باور است که علیرغم پنهان شدن خورشید ولایت در پس ابر غیبت، انوار وجودی ایشان دائماً در حال پرتوافشانی است و هیچ مخلوقی از وجود ایشان بی بهره نخواهد ماند:

بلی أمست الدنيا به مستنيرة وَ مِنْهُ عَلَى أَقْطَارِهَا يَبْقَى النَّشْرُ
فَكَانَ كَمَثَلِ الشَّمْسِ بِالسَّحَابِ حُجِبَتْ وَ مَنْ نَفَعَهَا لَمْ يَحْرَمْ الْبَحْرَ وَالْبَرَّ
(الامین، ۴۲۹:ق: ۳۱)

بلکه دنیا به وسیله اونورانی گشته است و عطر وجود امام مهدی علیه السلام در سرزمین ها پراکنده می شود. پس او مانند خورشید با ابر پوشیده شد و هر کس که از وجودش بهره مند شود در حالی که دریا و خشکی را از وجودش محروم نسازد.

خوشدل تهرانی همین مضمون را این گونه بیان می کند:

غیبتش مانند خورشید است اندر پشت ابر

ابر، کی منع فروغ از مهر خاور می کند

آفتاب آسا رسد فیض ابر نیکو و زشت

آری آن شه لطف چون مؤمن به کافر می کند

زامروی باران ببارد، بر زمین از آسمان

هم به یمنش خلق را روزی مقرّری کند

(تهرانی، ۱۳۸۹: ۴۲۰)

تهرانی، از امام مهدی علیه السلام با عنوان «خورشید پشت ابر» یاد نموده که هرگز نمی تواند مهر و نور خود را از دیگر موجودات دریغ نماید. در دیدگاه او، این خورشید است که باعث به وجود آمدن بارش باران و زنده شدن زمین و کسب رزق و روزی مردم می گردد.

سید جواد الحسینی غیبت کبری را همچون هاله ای از خورشید پشت ابر مجسم می کند:

لِيَقِيمَ الْقِسْطَ وَالْحَقَّ بِنَا غَابَ عَنَّا فَتَوَارَتْ شَمْسُنَا
بَشَّرَ اللَّهُ بِهِ مَخْلُوقَهُ فِيهِ سِرَالُوحِي فِي غَيْبَتِهِ

(الحسینی به نقل از الموسوی، ۲۰۱۲)

تا عدالت و حق را برای ما برپا کند، از میان ما غایب شد پس خورشید ما پنهان شد. خداوند به وسیله او مخلوقاتش را بشارت داد، در غیبت او راز است.

علی موسوی گرمارودی امام با عنوان «آفتاب آشنایی» که در پس پرده غیبت است یاد می‌کند و از پیشگاه ایشان درخواست می‌کند که زودتر ظهور نمایند تا جهانی را از بند ظلمت برهانند:

سیه‌تراز شب دی‌جور ما نیست به جز مهر رخت، خورشید ما کیست؟
الا ای آفتاب آشنایی چنین در پشت ابر غم، چه پایی
بنه پا در رکاب مهربانی بتاز اسب امید آسمانی
(گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۷۲)

سیدرضا موسوی هندی حضور منجی را همچون خورشیدی ترسیم کرده است که با وجود فاصله زیاد آن با زمین، خشکی و دریا از تابش آن بهره‌مند می‌شوند:

وَمَا أَنْتَ إِلَّا الشَّمْسُ يَنْأَى مَحَلَّهَا وَيَشْرِقُ مِنْ أَنْوَارِهَا الْبَرُّ وَالْبَحْرُ
(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

و توجز خورشیدی که محل آن دور است نیستی، در حالی از تابش نورهای آن خشکی و دریا روشن می‌شود.

مشفق کاشانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در شعر خویش به خورشید و ماه تشبیه کرده است، به اعتقاد شاعر ایشان همیشه و همه حال در جامعه حضور دارند:

چون آفتاب نوازش، در پرده ماندی و ماندیم
در کوچه با بشارت در رهگذار رهایی
ای ماه پنهان عیان شو، تا بنده در آسمان شو

در شام تار جهان شو، آینه دار رهایی!

(کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۹۷)

بیان این تشبیه از سوی شاعر و بیان در پرده ماندن ما، گویی انتظار مخرب منتظران را بازگویی کند که در عصر غیبت به دلیل عدم درک حضور از سوی منتظران آنها دچار رخوت و سستی شده‌اند. بنابراین شاعر از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که تشبیه به ماه پنهان شده

است درخواست می‌نماید که به امر غیبت پایان دهد و نجات بخش آنان گردد.

محمد رضا حکیمی نیز حضور ایشان را به تابش خورشید تشبیه کرده است:

ای غیبِ ظاهر در نهان، ای نور باطن در جهان!

ای مطلع فیض روان، از بیکران تا بیکران!

آفاق‌ها در ملک جان، از تابش نورت عیان! (حکیمی، ۱۳۹۰: ۲۲۷)

محمد جواد البلاغی حضور امام مهدی عج را در جامعه همچون خورشید پشت ابر

می‌داند که مایه حیات تمام مخلوقات است:

وَهَا هُوَ بَيْنَ النَّاسِ كَالشَّمْسِ صَمَّهَا سَحَابٌ وَمِنْهَا يَشْرِقُ الْبَرْقُ وَالْبَحْرُ
بِهِ تُدْفَعُ الْجَلَى وَيُسْتَنْزَلُ الْحَيَا وَتُسْتَنْبِتُ الْعَبْرُ وَيُسْتَكْشَفُ الضَّرُّ

(البلاغی به نقل از نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۹۱)

و او بین مردم مانند خورشید که ابرها او را پوشانده‌اند حضور دارد و از وجود این

خورشید خشکی و دریا می‌درخشد. به وسیله او کار بزرگ انجام می‌شود و باران نازل

می‌گردد و خاک را می‌رویاند و ضرر و زیان را از بین می‌برد.

عباس براتی پور نیز از هجران امام مهدی عج خسته گشته و لب به گلایه گشوده است و

ایشان را به خورشید پشت ابر تشبیه می‌کند:

بی‌تولبریز شده کاسه صبر آفتابی، پس پرده ابر

(براتی پور، ۱۳۹۰: ۴۹)

محمد حسین الصغیر در مورد غیبت کبری این نکته را بیان می‌دارد که با گذشت

سال‌های متمادی غیبت منحرفانی به وجود آمدند که منکر وجود ایشان شدند، از محضر

امام مهدی عج با عنوان خورشید پشت ابر تعبیر می‌کند:

تَغَيَّبَتْ حَتَّى قِيلَ: إِنَّكَ لَمْ تَكُنْ وَأَشْكَلَتْ حَتَّى قِيلَ جَاَزَ عَنِ الْحَدِّ
فَمِنْ مُنْكَرٍ لَا عَنْ دَلِيلٍ وَحُجَّةٍ وَمِنْ جَا حَادٍ غَاوٍ مُضَّرٍّ عَلَى الْجَحْدِ
وَمَا خَفِيتُ شَمْسَ النَّهَارِ لِنَظَرٍ وَمَا حُجِبَتْ فَالْذَنْبُ لِلْأَعْيُنِ الرُّمْدِ

(الصغیر به نقل از مجلة الانتظار، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۱۷)

غایب شدی، تا این‌که در مورد تو گفته شد که همانا تو اصلاً نبوده‌ای و غایب شدی

تا اینکه گفته شد از حد گذشته‌است. و از آنان منکری است هیچ دلیل و حجتی بر

اونیست و از جمله منکر، منحرف، مضری که برانکار تاکید کردند. و خورشید برای بینندگان در روز مخفی نشده است و گناه برای چشمان کم سو پوشیده نشده است.

هاشم السهلانی نیز حضور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در جامعه با عنوان (شمس السحاب) خورشید پشت ابر به تصویر کشیده و از غیبت ایشان گلایه می‌کند:

فَيَا شَمْسَ السَّحَابِ أَجِزْ وَهَلْ يُرَجَى لِعَيْرِكَ مَا أَقُولُ
عَدَوْنَا مِنْ غِيَابِكَ فِي بَلَاءٍ تَحْظُنَا الضَّغَائِنُ وَالذُّحُولُ

(السهلانی به نقل از www.sibtayn.com)

ای خورشید پشت ابر، سختم را کوتاه کن و آیا آن چه می‌گویم به جز تواز چه کسی امید می‌رود؟ از نبودنت در سختی و بلا افتادیم و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها ما را به غفلت وا داشت.

محمد رضا حکیمی، حسن تعلیل حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در جهان، همچون خورشید پشت ابر ترسیم کرده است:

وَحُسْنُ تَعْلِيلِ مَا قَدْ غَابَ مِنْ زَمَنِ أَنْ يَبْصُرَ النَّاسُ ضَوْءَ الشَّمْسِ وَالنُّجْمِ
(حکیمی، ۱۳۹۰: ۳۰۰)

بهترین دلیل برای غیبت او از زمان این است که مردم پرتو خورشید و ستارگان را بتوانند ببینند.

مرتضی نوربخش همین مضمون را این چنین به تصویر کشیده است:

تورا می‌شناسم / تواز آن سوی بی‌نهایت می‌آیی / و چونان نسیم سحر با تن برگ‌ها
آشنایی / درختان تورا دوست دارند / و در مقدمت از سرشوق گل می‌فشانند / تو آن
آفتابی / که در پشت ابر است (نوربخش، ۱۳۸۶: ۱۵۲)

با بررسی و مطالعه همه ابیات ذکر شده که در آنها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌اند می‌توانیم بیان کنیم که بیان این تشبیه به طور مشترک بین شاعران معاصر اقتباس آنها را از روایات متواتر در مورد وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که از وجود ایشان با عنوان خورشید پشت ابر یاد شده است، ترسیم می‌کند. از جمله این روایت‌ها می‌توانیم به این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که جابر انصاری روایت می‌کند بسنده نمایم:

جابر می‌گوید: من گفتم: یا رسول الله شیعۀ او در زمان غیبت از وجود او سودی برند؟

فرمود: آری به خدائی که مرا به راستی مبعوث کرده است، به راستی آنها به نوروی پرتویاب باشند و به ولایت او در زمان غیبتش سود برند مانند سود مردم از خورشید پشت ابر. (کلینی، بی تا: ج ۲، ۸۶۷)

اشعاری در قالب پاسخ به بیان انحرافات پیرامون امام مهدی علیه السلام

از دیرباز تا کنون، بعد از آغاز غیبت کبری، بارها و بارها شاهد وجود فرقه‌های گوناگون با دیدگاه‌های مختلف درباره حضرت ولی عصر علیه السلام بوده‌ایم. در آغاز قرن چهاردهم هجری، قصیده‌ای به بغداد رسید که شاعر آن مجهول الهویه بود، این قصیده در شأن و مقام امام مهدی علیه السلام سروده شده بود که در برخی از ابیات آن میلاد امام مهدی علیه السلام و طول عمرو غیبت ایشان مورد شک و تردید واقع شده بود، تا جایی که نویسنده بیان کرده؛ امام مهدی علیه السلام هنوز متولد نشده است. برخی از علماء و ادیبان عراق و سرزمین‌ها دیگر مسلمان‌نشین در جواب آن قصیده، قصیده‌های محکمی را بر همان وزن و قافیه سرودند و با دلایل محکم علمی به آن جواب رد دادند. این قصیده به قصیده بغدادیه مشهور گشت؛ زیرا علماء بزرگی در صدد پاسخ به آن قصاید عظیمی سرودند و با زبان شعرو ادب، به انحرافات موجود پاسخ‌های محکمی ارائه کردند. انحرافات مطرح شده شامل مسئله غیبت و طول عمر امام می‌باشد. برخی از شاعران معاصر به مسئله انحرافات پاسخ گفته‌اند.

غیبت کبری

در قصیده بغدادیه علت اصلی غیبت کبری از سوی امام مهدی علیه السلام، ترس ایشان از مرگ مطرح شده است:

وَإِنْ قِيلَ أَنَّ الْإِخْتِفَاءَ بِأَمْرِ مَنْ لَهُ الْأَمْرُ فِي الْأَكْوَانِ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ
فَذَلِكَ أَدَهَى الدَّاهِيَاتُ وَلَمْ يَقُلْ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَخُو السَّفَةِ الْغَمْرِ
أُعْجِزُ رَبُّ الْخَلْقِ عَنْ نَرْجِزِهِ عَلَى غَيْرِهِمْ حَاشَا فَهَذَا هُوَ الْكُفْرِ
(قصیده بغدادیه به نقل از الامین، ۱۴۲۹ ق: ۱۲)

اگر گفته شود که غیبت آن حضرت به فرمان کسی است که در هستی فرمان می‌دهد و ستایش و شکر از آن اوست. این از مصیبت بارترین بلاهاست و آن را جز انسان سفیه و بی‌خرد نمی‌گوید. آیا پرودگاران پیروز کردن حزب خویش در مقابل دیگران

ناتوان است؟ پرودگاران از این اتهام که کفر است، ناتوان است.

سیدرضا موسوی هندی در جواب به این قصیده این چنین گفته است:

وَقَوْلِكَ إِنَّ الْوَقْتَ دَاعٍ لِمِثْلِهِ إِذَا صَحَّ لِمَ لَا ذُبَّ عَنْ لُبِّهِ الْقَشْرُ
فَقُلْ لِي لِمَاذَا غَابَ فِي الْغَارِ أَحْمَدُ وَصَاحِبُهُ الصَّدِيقُ إِذْ حُسِّنَ الْحِذْرُ
وَلِمَ أُمِرْتَ أُمُّ الْكَلِيمِ بِقَذْفِهِ إِلَى نَيْلٍ مِصْرَ حِينَ ضَاقَتْ بِهِ مِصْرُ
أَيَعِزُّ رَبُّ الْخَلْقِ عَنْ نَصْرِ دِينِهِ عَلَى غَيْرِهِمْ كَلًّا فَهَذَا هُوَ الْكُفْرُ
وَهَلْ شَارَكُوهُ فِي الَّذِي قُلْتَ إِنَّهُ يَأْوُلُ إِلَى جُنْبِ الْإِمَامِ وَيَنْجَرُ
فَإِنْ قُلْتَ هَذَا كَانَ فِيهِمْ بِأَمْرٍ مِّنْ لَهُ الْأَمْرِ فِي الْأَكْوَانِ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ
(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۶)

واین سخن تو، زمان همانند او را می طلبد، هرگاه صحیح باشد پس چرا آن حضرت ظاهر نمی شود. به من بگو چرا پیامبر ﷺ و دوستش ابوبکر، در غار پنهان شدند، در آن هنگامی که پرهیز و ترس نیکو بود؟ و چرا به مادر کلیم فرمان داده شد تا موسی ﷺ را در نیل بیافکند؛ در آن هنگامی که مصر بر او تنگ شده بود؟ آیا پرودگار خلاق از یاری دینش عاجز است؟ هرگز این چنین نیست! چرا که این کفر است. آیا پیامبران هم با او، در آنچه گفتی که به ترس امام منجر می شود، شریکند؟ اگر بگویی که این به فرمان کسی بوده که در هستی دارای فرمان است و همه حمد و سپاس ها از آن اوست.

موسوی هندی با بیان این ابیات سخن منحرفانی که علت غیبت امام مهدی ﷺ را ترس ایشان از شهادت معرفی می کنند را به صراحت رد می کند و با استناد به علت پنهان شدن پیامبر ﷺ در غار ثور و به نیل افکندن حضرت موسی ﷺ، علت غیبت امام مهدی ﷺ را تنها فرمان و اراده الهی معرفی می نمایند.

سید محسن الامین نیز همین مضمون را در قصیده راثیه خویش این چنین به تصویر

کشیده است:

رَعِمَتْ بِمَحْضِ الْقَوْلِ قُبْحَ اخْتِفَائِهِ وَقَدْ فَشِيَ فِي الْعَالَمِ الظُّلْمُ وَالْعَدْرُ
إِذَا جَازَ عِنْدَ الظُّلَمِ تَأْخِيرُ خَلْقِهِ فَقَدْ جَازَ بَعْدَ الْخَلْقِ فِي حَقِّهِ السِّتْرُ
وَهَلْ كَانَ قَبْلَ الْأَرْبَعِينَ مُحَمَّدٌ لِدَعْوَتِهِ يَخْفَى وَقَدْ ظَهَرَ الْكُفْرُ
وَكَيْفَ أَسْرَ الرُّسُلُ مِنْ قَبْلِ دِينِهِمْ زَمَانًا وَهَلْ لِلَّهِ فِي كِتَابِهِمْ سِرُّ

وَأُنْكِرْتُ أَنْ يَخْفَى بِأَمْرِ مِنَ الَّذِي قَدْ اسْتَوَى فِي عِلْمِهِ السِّرُّ وَالْجَهْرُ
وَقَدْ غَابَ مَنْ غَابَ مِنْهُمْ لِخَوْفِهِ وَشُرِدَّ حَتَّى نَالَهُ الْجَهْدُ وَالضَّرُّ
وَقُلْتُ إِذَنْ رَبُّ الْبَرِيَّةِ عَاجِزٌ عَنِ النَّصْرِ كَلَّا لَيْسَ يُعْجِزُهُ النَّصْرُ
(الامین، ۵۱: ۱۶-۱۴)

به صرف گفتن، گمان کردی که پنهان شدن او قبیح است و به دلیل اینکه ستم و خدعه شایع و منتشر شده است. هرگاه با وجود ظلم و ستم تأخیر در خلقت آن حضرت جایز باشد بعد از خلقتش هم در پرده غیبت قرار گرفتن در حق او جایز خواهد بود. و آیا محمد ﷺ قبل از ۴۰ سال دعوتش را پنهان می کرد در حالی که کفر ظاهر شد. و چگونه پیامبران از قبل دینشان را پنهان کردند و در حالی که آیا خداوند راز آنها را نمی دانست؟ و از آن ها کسی پنهان شد از روی ترس و آواره گشت تا اینکه تلاش و ضرر هم به او رسید. و انکار کردی که آن حضرت به فرمان کسی که نهان و آشکار در علم او یکسان است غایب شود. و گفتی که در این صورت، پروردگار خالق از نصرت عاجز است، در حالی که هرگز این چنین نیست که او از یاری عاجز باشد.

امین، درباره علت غیبت کبری با اقتباس از سرگذشت پیامبر اکرم ﷺ و مبعوث شدن ایشان، علت پنهان شدن رسالت پیامبر اکرم ﷺ را حکمت و دانش الهی معرفی می کند و در ادامه همین قصیده شاعر، با گذر از داستان حضرت عیسی علیه السلام، پنهان شدن ایشان را از دیده عموم مردم تنها حکمت الهی می داند و در ادامه به داستان حضرت موسی علیه السلام اشاره می کند که چگونه در کودکی خداوند به مادرش دستور داد، او را در جعبه ای چوبی گذارده و به نیل دهد و این گونه با حکمت الهی به صورت گمنام و ناشناس وارد کاخ فرعون گردد و در کنار فرعون رشد پیدا کند، تا به پیامبری مبعوث شد و بر فرعون غلبه یابد. شاعر، در ادامه داستان کوه ثور و پنهان شدن پیامبر اکرم ﷺ در غار آن را ذکر می کند.

محمد جواد البلاغی نیز در پاسخ به اینکه دلیل غیبت امام مهدی علیه السلام ترس است، دلایل قانع کننده ای را بیان می کند:

وَلَكِنْ بِأَمْرِ اللَّهِ خَيْرَ لَهُ السِّرُّ وَلَمْ يَكُ مِنْ خَوْفِ الْأَذَاةِ اخْتِفَاؤُهُ
غَدَا يَخْتَشِيهِ مَنْ حَوَى الْبِرُّ وَالْبَحْرُ وَحَاشَاهُ مِنْ جُبْنٍ وَلَكِنْ هُوَ الَّذِي
فَرُبَّ اخْتِفَاءٍ فِيهِ يَسْتَنْزِلُ النَّصْرُ أَكُلَّ اخْتِفَاءٍ خَلَّتْ مِنْ خَيْفَةِ الْأَذَى

وَكُلٌّ فِرَارٍ خَلَّتْ جُبْنًا فَرَّتَمَا يَفِرُّ أَحْوَبَ أَسٍ لِيُمْكِنَهُ الْكَرُّ
فَكَمْ قَدْ تَمَادَّتْ لِلتَّبَيِّنِ غَيْبَةً عَلَى مَوْعِدٍ فِيهَا إِلَى رَبِّهِمْ فَرَّوْا
وَلَمْ أَدْرِ لَمْ أَنْكَرْتَ كَوْنََ اخْتِفَائِهِ بِأَمْرِ الَّذِي يَعْيَى بِحِكْمَتِهِ الْفِكْرُ
(البلاغی به نقل از نوری طبرسی، بی تا: ۱۹۰)

وعلت پنهان شدن او، ترس نبوده است. ولی به امر خداوند برای آن پنهان شدن بهتر است. وحاشا از این که علت آن را ترس بدانی، ولی او کسی است که قطعاً هر کس که درد ریا و خشکی است از او می ترسد. آیا هر پنهان شدنی از روی ترس از آزار و اذیت است، شاید که غیبتی در آن یاری وجود داشته باشد. چه بسیار فراری که از روی ترس بدانی در حالی که چه انسان شجاعی که فرار می کند تا برای او امکان حمله فراهم شود. چه بسیار پیامبرانی که مدت های طولانی غایب شدند تا زمان مقرری که به سوی پروردگارشان فرار کردند. و اگر دانستی که دلیل اختفاءش را انکار نکردی به فرمان کسی است که به او حکمت فکر را بخشیده است.

شیخ محسن أبو الحب نیز با اقتباس هنری از سرگذشت حضرت موسی، نوح، عیسی و خضر علیهم السلام چگونگی غیبت کبری را این چنین مجسم نموده است:

وَأَنْتَ الَّذِي أَحَلَلْتَ مُوسَى مَحَلَّهُ وَنَالَ وَلَمْ يَجْعَدْ حَيَاةَ بَيْتِ الْخَضِرِ
وَقَدْ غَابَ نُوحٌ قَبْلَ مَا غَبَتْ بُرْهَةٌ مِنَ الدَّهْرِ حَتَّى أَبَ وَالْعُذْرُ الْغَدْرِ
فَأَيَّ عَجِيبٍ فِي احْتِجَابِكَ فِي مَدَى عَلَى كُلِّ حَالٍ طَالَ أَوْ قَصُرَ الدَّهْرِ
بَلَى عَمِيَتْ أَبْصَارُ قَوْمٍ فَأَنْكَرُوا وَجُودَكَ حَتَّى شَاعَ بَيْنَهُمُ النُّكْرُ
(أبو الحب، ۱۳۸۵: ۸۳)

گروه هایی پنداشتند که تونیستی یا این که مرده ای و جسم تو را قبر در بر گرفته است. و تو در جایگاه موسی علیه السلام قرار دارد و در حالی زندگی برای تو مانند خضر شده است. و در حالی که نوح قبل دوره ای از روزگار پنهان نشد تا اینکه بهانه نیرنگ شد. در حالی که غیبت عیسی علیه السلام از روی ترس او از قتلش نبود و علت آن راز بود و غیبت تونیز راز است. پس کدام یک عجیب تر است غیبت تو در طولانی مدت تا اکنون طول کشیده است یا کوتاهی روزگار؟ بلکه دیدگان قوم کور شدند و به انکار وجود تو برخاسته اند تا این که انکار تو در میان شان رواج یافت.

با بررسی ابیات مختلف در مورد غیبت کبری، چند نکته قابل تأمل است:

۱. اکثریت شاعران هر دو زبان همان گونه که در باب غیبت گذشت، دارای اشعار

فراوانی در این زمینه بوده‌اند که در این میان تنها شاعری که علت غیبت کبری را نشانه ترس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده، شاعر قصیده بغدادیه است.

۲. با مطالعه اشعار مختلف در مورد غیبت کبری می‌توانیم بیان نماییم که تنها شاعران عرب زبان در ردّ قصیده بغدادیه اشعاری سروده‌اند، شاعرانی همچون؛ محمد جواد البلاغی، محسن ابوالحب و شیخ محسن ابوالحب با اشاره به زندگی پیامبران الهی مانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت موسی علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام در اشعار خویش به اثبات فلسفه غیبت که حکمت الهی است، پرداخته‌اند.

طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

در عصر غیبت کبری یک مسئله دیگر وجود دارد که ذهن منتظران را به خود مشغول داشته است که آن راز طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد که شاعران معاصر در وصف ایشان به این موضوع اشاره داشته‌اند. محمد جواد البلاغی در جواب قصیده بغدادیه در مورد طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به طول عمر حضرت صالح علیه السلام و خضر علیه السلام و دجال اشاره دارد:

وَإِنْ كُنْتَ فِي رَيْبٍ لِّطُولِ بَقَائِهِ فَهَلْ رَأَيْكَ الدَّجَالَ وَالصَّالِحَ الْخَضِرُ
(البلاغی به نقل از نوری طبرسی، بی‌تا: ۱۹۱)

واگر در مورد طول عمر او شک داری، آیا داستان دجال و صالح و خضر را ندیده‌ای؟

سیدرضا موسوی هندی نیز برای اثبات سخن خویش در مورد طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، به عمر حضرت خضر علیه السلام، حضرت الیاس علیه السلام، نوح علیه السلام، داستان اصحاب کهف، دجال و عوج اشاره دارد که ذکر نام هر کدام از این معمرین جای بحث دارد:

وَإِنْ تَسْتَرْبِ فِيهِ لِّطُولِ بَقَائِهِ أَجَابَكَ إِدْرِيسُ وَالْيَاسُ وَالْخَضِرُ
وَمَكَثَ نَبِيُّ اللَّهِ نُوحٌ بِقَوْمِهِ كَذَا نَوْمُ أَهْلِ الْكَهْفِ نَصَّ بِهِ الذِّكْرُ
وَقَدْ وَجَدَ الدَّجَالَ فِي عَهْدِ أَحْمَدَ وَلَمْ يَنْصَرِمِ مِنْهُ إِلَى السَّاعَةِ الْعُمُرُ
وَقَدْ عَاشَ هَوُجُ أَلْفِ عَامٍ وَفَوْقَهَا وَلَوْلا عَصَا مُوسَى لِأَخْرَعِ الدَّهْرُ
وَمَنْ بَلَغَتْ أَعْمَارُهُمْ فَوْقَ مَائَةٍ وَمَا بَلَغَتْ أَلْفًا فَلَيْسَ لَهُ حَصْرُ
(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

واگر به جهت طولانی شدن مدّت زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دچار شک شده‌ای، پس

ادریس و خضر به تو پاسخ می دهند. درنگ طولانی نوح نبی علیه السلام در میان قومش و همچنین خواب أصحاب کهف که قرآن به آن تصریح کرده است. و دجال در زمان احمد علیه السلام وجود داشته است در حالی که تا این ساعت هنوز هم عمرابو به پایان نرسیده است. عوج هزار سال بلکه بیش از آن زندگی کرد و اگر عصای موسی نبود، عمر او از این هم بیشتر می شد. و کسانی که عمر آنها بیش از صد سال بوده است، در حالی که به هزار نرسیده، قابل شمارش نیستند.

سید محسن الامین نیز در بیان طول عمر امام مهدی علیه السلام با اقتباس از تاریخ سرگذشت پیامبران الهی که هر دو شاعر قبل نیز به آنها اشاره داشته است و از جمله دیگر معمرین تاریخ بشریت همچون حضرت ذوالقرنین و حضرت عزیر علیه السلام در وصف امام مهدی علیه السلام می گوید:

وَأَنْكَرْتُمْ طُولَ الْحَيَاةِ وَقُلْتُمْ	إِلَى مِثْلِ هَذَا لَا يَطُولُ بِهِ الْعُمُرُ
وَعُمُرُ نُوحٍ بَعْدَ شِيثَ وَأَدَمُ	وَعِيسَى وَإِلْيَاسُ وَإِدْرِيسُ وَالْخَضِرُ
وَعَمَرُ ذَوِ الْقَرْنَيْنِ أَلْفًا وَنِصْفَهَا	وَلِلْمَوْتِ فِيهِ بَعْدَهَا انْتَسَبَ الظَّفَرُ
وَقَدْ جَاءَ فِي الدِّجَالِ وَالْخَضِرِ مِثْلُهُ	وَأُثْبِتُهُ النَّصُّ الصَّحِيحُ وَلَا حِجْرُ
وَقَدْ بَقِيََا مِنْ عَهْدِ مُوسَى وَأَحْمَدُ	إِلَى زَمَنِ يُعْطَى لِمَهْدِيٍّ النَّصْرُ
إِذَا عَمَّرَ الدِّجَالُ وَهُوَ مُعَانِدُ	مُضِلٌ فَفِي الْمَهْدَى قَدْ سَهَلَ الْأَمْرُ
وَقِصَّةُ أَهْلِ الْكَهْفِ أَعْجَبَ وَالَّذِي	عَلَى قَرِيَةٍ قَدْ مَرَّ أَمْرُهُمَا إِمْرُ
فَلَمْ يَتَسَنَّهْ بَعْدَ قَرْنٍ طَعَامُهُ	كَذَاكَ شَرَابُ نَابِهِ الْحُرِّ وَالْقُرِّ

(الأمین، ۱۴۲۹ ق: ۲۰-۱۶)

و اگر شما طول عمر ایشان را انکار می کنید و گفتید تا به مثل این که عمر او طولانی نمی گردد. و عمر نوح بعد از حضرت شیث، آدم، عیسی، الیاس، ادریس و خضر علیه السلام و عمر ذوقرین را که دو هزار و پانصد سال بود و برای مرگ او بعد آن منسوب ظفر است و در حالی که در مورد دجال و خضر همانند آن آمده است و متن صحیح او را قابت کرده است و جای بحثی نیست. و از عهد موسی علیه السلام و أحمد تا به امروز باقی مانده است که برای مهدی علیه السلام یاری است. هنگامی که دجال عمر طولانی کرد در حالی که او معاند است و در مورد مهدی علیه السلام کار آسان شده است. و قصه یاران غار که عجیب ترین است و کسی که بروستایی گذشت در حالی که بر آن دو گذشت. پس بعد از یک قرن غذایی نخورد همان طور که آب گرم و خنکی ننوشید.

با مطالعه و بررسی ابیات مورد نظر در وصف طول عمر امام مهدی علیه السلام و استفاده شاعران مختلف از شخصیت های قرآنی و تاریخی می توانیم این نکته را بیان نماییم که اولاً طول عمر، از شاخه های مسئله عمومی تری به نام «حیات» است. حقیقت و ماهیت زندگی، هنوز بر بشر مجهول است و هیچ گاه هم از این راز سر در نیاورد. ثانیاً از دیدگاه قرآنی - تاریخی، معمرین و دراز عمران فراوانی با نام و نشان بوده اند که هریک چند برابر یک انسان معمولی عصر خویش، زیسته اند. روشن ترین و در عین حال مستندترین آنها، حضرت نوح علیه السلام، حضرت خضر علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام، الیاس علیه السلام و حضرت شیث علیه السلام و اصحاب کهف و... هستند که در بیشتر موارد قرآن به آنها همچون اصحاب کهف، (کهف: ۲۵) و حضرت عیسی (زخرف: ۶۱) و... تصریح نموده است.

نتیجه گیری

در بررسی و مطالعه تمام اشعار شاعران ذکر شده به این نتیجه رسیدیم که:

۱. زمین بدون حجت باقی نخواهد ماند، حجت الهی باید همیشه و در همه عصرها وجود داشته باشد تا طبق روایات متواتر، ساکنان خود را فرو نبرد و حضور امام مهدی علیه السلام ضامن حیات بشریت است.

۲. امام مهدی علیه السلام، در مراسم حج شرکت می نمایند، همان گونه که در زمان غیبت صغری آنان که حضرت را می شناختند در کنار کعبه ایشان را ملاقات کرده اند، در غیبت کبری نیز حضرت در مراسم حج شرکت می نمایند و مردم را می بینند، اما مردم ایشان را نمی شناسند.

۳. امام مهدی علیه السلام بسان دیگر انسان ها، در بین مردم زندگی می کند و از دردها و مشکلات مردم آگاهند، ایشان را می بینند و با ایشان حشر و نشر می کنند ولی ایشان را نمی شناسند، همانند حضرت یوسف علیه السلام که برادران خویش را می شناخت ولی آنها از وجود او بی خبر بودند.

۴. به عقیده شاعران معاصر، غیبت امام مهدی علیه السلام مانع از آن نیست که وی رهبر حقیقی جهان باشد. چون ایشان در عصر غیبت نیز، مددکار و همدل شیعیان است و با حضور خویش در جامعه، سبب قوت آنان می گردد و شیعیان برای اینکه گامی به سوی فراهم سازی ظهور امام مهدی علیه السلام برداشته باشند، خود را به انجام کارهای نیک

موظف می‌دانند.

۵. وجود امام مهدی علیه السلام، لطف است و اگرچه همچون خورشید در پشت ابر، چهره پنهان داشته باشند به این جهت است که اولاً، مردم هنوز آمادگی در حضور ایشان را نداشته و شرایط لازم برای ظهور ایشان فراهم نشده است. ثانیاً، همان‌گونه که خورشید از پشت ابر بر تمام موجودات مهر و عاطفه خود را دریغ نمی‌دارد، مردم در عصر غیبت نیز از حضور امام مهدی علیه السلام نفع می‌برند و هیچ کس از وجود ایشان بی‌بهره نمی‌ماند.

۶. برخی از شاعران معاصر در هر دو زبان، محل خاصی را برای سکونت امام مهدی علیه السلام تعیین نمی‌کنند و جایگاه حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی کرده‌اند و برخی حضور ایشان را در بین مردم و در جامعه کنونی به تصویر کشیده‌اند که بیان این اشعار هیچ تناقضی با هم ندارد؛ زیرا کوه‌ها و مکان‌های دست‌نیافتنی در حال ضرورت و نیاز امری طبیعی و موافق با اصل تقیه است.

۷. شاعران معاصر از دریچه دنیای شعروادب، ضرورت حضور امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت را درک کردند و با زبان عقل و احساس، این نیاز را به تصویر کشیدند تا پاسخی باشد برای اذهان افرادی که وجود ایشان را در این عصر انکار کرده‌اند.

۸. وجوه عقاید مشترک در اشعار سرایندگان معاصر، حاکی از اعتقادات و فرهنگ غنی تشیع بوده است زیرا در عصر غیبت که ارتباط مستقیم با امام مهدی علیه السلام وجود ندارد تنها اعتقادات قلبی مسلمانان و احادیث متواتر در مورد امام است که فرهنگ مهدویت را تا به امروز زنده نگه داشته است.

۹. وجود ابیاتی در قالب پاسخ به انحرافات که بیشتر در اشعار عربی وجود داشته که دلیل آن تنها وجود قصیده بغدادیه می‌باشد که به زبان عربی سروده شده است.

منابع

قرآن کریم

- آل درویش، عبدالله حسن، مهدی الأمم ﷺ، بی جا: العقائد، ۲۰۱۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: محمد باقر کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷.
- ابوالحب، محسن، دیوان شیخ محسن ابوالحب، تحقیق جلیل کریم ابوالحب، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.
- اسماعیلی، رضا، ملکوت کلمات، مجوعه شعر آیینی، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۹۰.
- الإصفهانی، محمد حسین، الانوار القدسیه، قم: المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
- بختیاری، نادر، هفتاد و سومین سر، تهران: تکا، ۱۳۸۷.
- براتی پور، عباس، آیین و ماه، تهران: تجلی مهر، ۱۳۹۰.
- بیابانکی، سعید، باغ دور دست (گزیده اشعار سعید بیابانکی)، تهران: تکا، ۱۳۸۷.
- تهرانی، خوشدل، بهترین اشعار خوشدل تهرانی، تهران: منیر، ۱۳۸۹.
- جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- حکیمی، محمدرضا، ساحل خورشید، تهران: الحیاة، ۱۳۹۰.
- حیدری آل کثیر، مرتضی، خورشید در عباى تو پیچیده است، تهران: آرام دل، ۱۳۸۷.
- الرصافی، سعید، دموع الصافی، ایران: مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۷.
- سبزواری، حمید، سرود سپیده، تهران: کیهان، ۱۳۶۸.
- سلیمان، کامل، روزگار رهایی، مترجم: علی اکبر مهدی پور، تهران: آفاق، ۱۳۸۱.
- صفارزاده، طاهره، دیدار صبح، تهران: پارس کتاب، ۱۳۸۴- الف.
- _____، اندیشه در هدایت شعر، تهران: نزدیک، ۱۳۸۴- ب.
- عبد اللهی، محمود، سیمای امام مهدی در شعر عربی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.
- عبد المجید، معروف، بلون الغار بلون الغدير، قم: مرکز الأبحاث العقائدية، ۱۴۲۰ ق.
- کاشانی، مشفق، پنجره ای به آفتاب، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.
- کاظمی، محمد کاظم، ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران: فرهنگ اهل بیت علیه السلام، بی تا.

- مجاهدی، محمد علی متخلص به پروانه، سیمای امام مهدی علیه السلام در آئینه شعر فارسی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.
- مستقیمی، محمد متخلص به راهی، چه تابستان بی سایه‌ای، تهران: تکا، ۱۳۸۷.
- موسوی خمینی، روح الله، دیوان امام (مجموعه اشعار امام خمینی علیه السلام)، تهران: عروج، ۱۳۸۵.
- موسوی هندی، سید رضا، دیوان سید رضا هندی و ابنائه، گردآورنده: هادی حسین موسوی، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۸.
- موسوی گرمارودی، باغ سنگ، تهران: تکا، ۱۳۸۶.
- میرسلیمی، جمشید، بوی خوش انتظار، تهران: پژوهنده، ۱۳۸۱.
- میرجهانی طباطبایی، سید حسن، الدرر المکنونة فی الإمام والإمامة وصفاته الجامعة، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۸۸ ق.
- نوربخش، مرتضی، شاعر پرنده‌ای ست، تهران: تکا، ۱۳۸۶.
- وهاب، مرتضی، دیوان سید مرتضی الوهاب، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰.
- هراتی، سلمان، از آسمان سبز، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.
- نورالدین، حسن جعفر؛ «الشخصية الإمام المهدی علیه السلام فی الشعر العربی المعاصر»- www.m-mahdi.net، ۱۴۲۹ ق
- الموسوی، غفران، «الانتظار الإمام المهدی فی الشعر العربی»- www.m-mahdi.info، ۲۰۱۲
- مجلة الانتظار (الانتظار مجلة فصلية تعنى بالشأن المهدوی)، سال اول، شماره ۲، ۱۴۲۶ ق
- سایت موسسه جهانی سبطین علیهم السلام www.sibtayn.com